

شنبه • ۱۱ بهمن ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۲۵ • ۹۰

روزنامه جامعه		
خشونت در جامعه مردسالار	صفحه ۱۰	صفحه ۱۰
فعالیت گروه‌های حمایت از حیوانات در شبکه‌های مجازی	صفحه ۱۱	صفحه ۱۱
پیکار علیه تنولیر الیسم در اروپا	صفحه ۱۲	صفحه ۱۲

نگاه
مدیریت شهری و بحران
‏ علی نوذریپور پژوهشگر مدیریت شهری

وقوع حوادث طبیعی و غیرطبیعی نظیر سیل، زلزله، توفان، جنگ و… غالباً تأثیرات مخربی بر سکونتگاه‌های انسانی باقی گذارده و تلفات و خسارات سنگینی بر ساکنان آنها وارد کرده است. بر اثر وقوع این بلایا، ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها نابود و عوارض اقتصادی و اجتماعی پردامنه‌ای بر جوامع و کشورها تحمیل می‌شود. آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی به‌ویژه در کلانشهرها نسبت به این حوادث در اثر تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، وضعیت نابسامان و بی‌قاعده سکونتگاه‌های شهری به‌طور مداوم افزایش می‌یابد. هنگام بروز حوادث طبیعی یا انسان‌ساز، بسته به‌شدت حادثه، تمام یا قسمت اعظمی از ناحیه دچار تخریب شده یا به علل متعددی غیرقابل استفاده می‌شود، تاسیسات زیربنایی همچون آب، برق، گاز، تلفن، شبکه ترافیکی و حمل‌ونقل و… قابلیت استفاده مطمئن را نداشته یا کاملاً از بین می‌روند. اما حوادث انسان‌سازی مانند جنگ که بعضاً رخ می‌دهد، نیز اثرات فراوانی بر زندگی شهروندان و زیرساخت‌های شهری دارد. به‌گونه‌ای که در بعد اجتماعی باعث مهاجرت و ترک محیط زندگی و از منظر کالبدی نیز بناها و تاسیسات شهری دچار آسیب می‌شوند. در همه این اوضاع و احوال، مدیریت شهری شرایط متفاوتی را تجربه کرده است که بررسی وضعیت اداره شهرها، در این شرایط تجارب گرانمایی را برای مدیریت بهینه شهرها حتی برای شرایط عادی فراهم می‌کند. با توجه به وقوع حوادث مختلف طبیعی و انسان‌ساز در ایران و تأثیرپذیری جدی شهرها از این حوادث، خوب است تا محققان و پژوهشگران حوزه مدیریت شهری به جمع‌آوری، مستندسازی و تحلیل این تجارب بپردازند و قطعاً نتیجه این اقدام تولید آثار ارزشمندی است که می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی‌های آتی قرار گیرد. بررسی داده‌های آماری منتشرشده از سوی اداره کاهش خطرپذیری سازمان‌ملل‌متحد از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد همواره بلایای طبیعی سهم مهمی در ایجاد تلفات انسانی و خسارات اقتصادی در کشورها داشته و به‌طور متوسط در هر سال یک میلیارد نفر در کشورها به‌دلیل تعداد وقوع در این بازه زمانی زلزله روند نسبتاً متعادلی را طی کرده اما همچنان مرگبارترین حادثه طبیعی بوده است. در این میان افزایش سهم قابل‌توجه بلایای جوی و اقلیمی مانند سیل و توفان حاکی از افزایش خطرپذیری دنیا از مخاطرات مرتبط با آب و هواس. ایران جزو ۱۰کشور بلایزده دنیا محسوب می‌شود و از نظر تنوع حادثه نیز در رتبه پنج‌کشور دنیا قرار دارد. از مجموع ۴۱ سانحه‌تصادف‌شده در جهان، ۳۱ تا ۳۳ نوع آن در ایران سابقه وقوع دارند که بیشترین و شایع‌ترین آنها زلزله و سیل در گروه حوادث طبیعی و آتش‌سوزی و تصادفات در گروه حوادث انسان‌ساز هستند. به‌عنوان نمونه سالانه یک‌هزارمورد زلزله در کشور به وقوع می‌پیوندد که ۲۴۰مورد آن زلزله‌هایی با بزرگی بیشتر از چهاردرجه در مقیاس ریشتر است. با توجه به آمار موجود، به‌طور متوسط در ایران هرسال یک زلزله بزرگ چهارم قرار دارد. از سوی دیگر جمعیت ایران در طول صدسال گذشته همواره حدود یک‌دصد درصد جمعیت دنیا بوده است اما متأسفانه تلفات جانی ناشی از زلزله و حوادث طبیعی در آن حدود شش‌درصد تلفات جانی از کل دنیا بوده است. باوجود اثرپذیری جدی کشور از حوادث طبیعی، باید به یاد داشته باشیم که ایران اسلامی حادثه انسان‌ساز بزرگ جنگ تحمیلی را در هشت‌سال مدیریت کرده است که به‌لحاظ پهنه تحت‌تأثیر این حادثه و تعداد شهرها و ساکنان آن بسیار حایزاهمیت است. در شرایط جنگ‌تحمیلی شهرها به صورت مستقیم و غیرمستقیم آثار جنگ را متحمل شده‌اند. این شرایط از به جای‌ماندن اثرات حمله هوایی و زمینی بر پیکر و کالبد شهرها تا برهم‌خوردن نظام اجتماعی و معیشتی مردم بوده است. در این شرایط نیز مدیریت شهری همواره در تلاش بوده است تا نیازمندی‌های اولیه جامعه ساکن در شهرها را تأمین و به بخشی از مطالبات پایه آنها پاسخ دهد. به‌راستی اداره شهرها با توجه به این شرایط چگونه صورت می‌گرفته است؟ منابع مالی و اعتباری لازم برای مدیریت شهر در شرایط اضطرار به‌ویژه شرایطی مانند جنگ چگونه تأمین شده است؟ این موضوعات و مسایلی از این‌دست، دستمایه‌های گرانمایی برای انجام پژوهش و تحقیق است تا بتواند زمینه برنامه‌ریزی و جهت‌گیری‌های اساسی آتی برای مدیریت شهری عمده، حساس و ضروری سازمان‌ها، ادارات و واحدهای آتش‌نشانی و خدمات ایمنی را ایجاد کرده‌اند و با ساخت ایستگاه‌های آتش‌نشانی و تجهیز آنها و گماردن گروهی به‌عنوان آتش‌نشان سعی در تحقق این وظیفه خطر دارند چراکه سازمان‌های آتش‌نشانی و خدمات ایمنی به‌دلیل ماهیت غیرمترقبه‌بودن بلایا و سوانح به‌عنوان سازمان‌های شبه‌نظامی و بحران‌مدار تلقی می‌شوند.

ادامه در صفحه ۱۷

از متن

درباره بهشت زهرا
❧ یکی از اقدامات شما تکمیل بهشت‌زهرا(س) بود، از اول قرار بود آنجا تنها گورستان تهران باشد؟ آن زمان قبرستان‌های فرعی و امامزاده‌هایی مثل امامزاده عبدالله، خیی، قاسم و… وجود داشت اما بهشت‌زهرا(س) به‌عنوان گورستان اصلی تهران جا افتاده بود. هرچند کارهای ساماندهی و زیرساخت‌ها انجام نشده بود و تکمیل شبکه معابر و فضای سبز آن پروژه سنگینی بود که انجام شد. علاوه‌بر بهشت زهرا(س)، برای توزیع ترافیک، دومنطقه دیگر برای کاربری گورستان در شرق‌غرب تهران پیش‌بینی کرده بودیم اما فرصتمان کم بود و نتوانستیم زمین مناسب برای این دو گورستان انتخاب کنیم. آخرین نماز‌جمعه مرحوم طالقانی ۱۸شهریور در کنار قطعه ۱۷شهریور (در بهشت‌زهرا(س)) برپا شد. درعین‌حال غسالخانه جدید بهشت‌زهرا(س) را مرحوم طالقانی اینجا خوب بشنوی، این سخنانی موجب تعجب همگان شد. اما دو روز بعد، وقتی ایشان فوت کردند، او را همان غسال و در همان محل شست‌وشو داد. پس از فوت ایشان درخصوص محل دفن با خانواده وی و دوستان نزدیک مشورت کردیم و پیشنهاد شد محل دفن ایشان بین شهدای قیل و بعد از انقلاب باشد. همچنین در ذهنمان بود که نمادی برای ایشان بسازیم؛ اما نزدیکان و خانواده ایشان مخالفت کردند. ❧ در همه سال‌های قبل و بعد از انقلاب نسبت به بلدیه و کارکنان آن دیدگاه منفی خاصی وجود داشته است. به‌عنوان شهردار آن‌روزها، آیا صحبت‌های مطرح‌شده درباره کارکنان شهرداری صحت داشت؟ به‌خاطر مهاجرت‌هایی که قبل انقلاب به تهران انجام شده بود، مهاجران در خارج از محدوده ساخت‌وسازهایی انجام می‌دادند و مسئولیت کنترل حوزه استحقاقی مناطق، در اختیار شهرداری تهران بود و شهرداران موظف بودند ساختمان‌هایی را که خلاف قانون ساخته شده، تخریب کنند که این اقدام واکنش‌های اجتماعی سنگینی به وجود آورده بود. من در سال‌های قبل از انقلاب در جایگاه مهندس مشاور با شهرداری تهران همکاری داشتم و با مسایل آن بیگانه نبودم، بنابراین از همان ابتدا به کمک همکاری در شهرداری و معاونانم که همه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با مسایل شهرداری آشنا بودند، تلاش کردیم تا اعتبار و جایگاه کارکنان را ارتقا ببخشیم چراکه معتقد بودیم افراد باتجربه‌ای در شهرداری هستند که می‌توانند شهر را اداره کنند. عین حال نیروهای مازاد و سفارشی تعدادشان بسیار زیاد بود و بیش از ۲۰۰نفر از سایر وزارتخانه‌ها مامور بودند که حقوق بالا می‌گرفتند اما کار معینی نداشتند. این افراد نفوذ زیادی داشتند و اقدام ما برای حذف واکنش زیادی در برداشت.



عین: مهدی صبیحی، شهردار سابق

کشور برای خدمت به انقلاب آمده بودند، استفاده شد. ❧ **پس جرقه شوراها از دوره شما زده شده است؟** بحث شوراها در روزهای اول انقلاب و حتی پیش از انتشار اصول قانون اساسی در دستور کار شهرداری تهران قرار داشت. مدارک و سوابق این مطالعه توسط اداره کل آمار و ارزشیابی شهرداری در مجموعه‌ای در اسفند۵۸ تکثیر شد و نسخه‌ای از آن را در سال ۷۸ در اختیار شورای شهر اول قرار دادم. خروجی مطالعات شوراها به‌صورت لوایح قانونی و آیین‌نامه‌های مربوطه و وظایف و اختیارات و چگونگی تشکیل شوراها از طریق وزارت‌کشور در اختیار دولت موقت قرار گرفت. مهندس بازرگان با علاقه‌مندی این م‌تها را مطالعه و روی آنها اظهارنظر کرد. اولین قانون شوراها پس از اصلاحات دولت موقت در شورای انقلاب تصویب و آیین‌نامه‌های آن نیز در دولت موقت تصویب و ابلاغ شد. اما باید ساختار و تقسیم‌بندی شهر تهران نیز برای انتخابات شوراها آماده می‌شد.

شهر تهران آن‌موقع ۱۲منطقه داشت که نظم مشخص و قانون‌مندی نداشت. پس از چندماه کار فشرده این کارگروه تقسیم‌بندی قانونمند و علمی برای شهر تهران ارائه کردند که امروز نیز مورد عمل قرار دارد. اساس فکر ما این بود که شوراها باید از محلات بچوشند. مردم در هر محله، افراد مدنظر خود را انتخاب کنند و نمایندگان محلات شورای مناطق و نمایندگان مناطق، شورای شهر را برگزینند. به‌این‌ترتیب می‌توانستیم یک ارتباط ارگانیک و پیوسته بین مردم محلات و شورای شهر ایجاد کنیم. این قانون در سال‌های بعد تغییر پیدا کرد و به سرانجامی که موردنظر ما بود نرسید. به‌رحال این یکی از اقدامات کلیدی بود که از همان هشتم‌اسفند آغاز شد. آیت‌الله‌طالقانی در این مورد، محل مشورت و مشقوب و حمایت خود را در صحبت‌هایشان مطرح می‌کردند. به همین ترتیب، در تدوین قانون‌اساسی، در فصل هفتم، پنج‌اصل قانون‌اساسی به شوراها اختصاص یافت. براساس ضرورت و تأکیدی که مطرح می‌شد، درهمان سال‌ها، انتخابات شورا در برخی شهرهای کشور ازجمله در قزوین و سنجند انجام شد.

❧ **نقل‌قول‌های بسیاری شنیده‌ام که در این سال‌ها همواره یک عده نمی‌خواستند شوراها شکل بگیرد و قاعدا صحت داشته، چون اجرای این اصول قانون‌اساسی تقریباً تا سال ۷۷ متوقف بوده و هنوز هم گفته می‌شود افرادی مقابل شورا هستند. این افراد چه کسانی هستند و حرفشان چیست؟** بعضی مطالب را نمی‌توان مستقیم گفت، اما کمی عقب‌تر که برویم؛ در انقلاب مشروطه دو نگاه بین علمای طرازاول مطرح بود؛ یک نگاه، نگاه اخوند خراسانی و میزای‌نایینی بود که موافق مشروطه و رای مردم و حاکمیت ملت بودند و یک نگاه مخالف هم وجود داشت. این نگاه با انتخابات و رای مردم موافق نبود. این دو نگاه که به‌لحاظ تاریخی در مشروطه نمود پیدا کرده است به‌تدریج در طول تاریخ جلو آمد و بعد از انقلاب هم این‌دو نگاه در درون نظام جمهوری‌اسلامی وجود داشته است. مخالفت‌ها فقط منحصر به قانون شوراها نبود. قانون احزاب سال ۶۰ در مجلس اول، براساس اصل ۲۶ قانون اساسی تصویب شد، اما وزارت کشور که مامور اجرای آن بود، آن را به‌طور کامل اجرا نکرد.

در طرح پیشنهادی، نگاه این بود که مردم یک شهر همان‌طور که خانه خود را اداره می‌کنند، شهرشان را هم اداره کنند و راهکار عملی سپردن کار مردم به‌دست مردم به‌صورت مدیریت واحد شهری و کوچک‌کردن دولت بود. به‌تدریج کسانی که باور نداشتند مدیریت باید از پایین به بالا باشد با شوراها مخالفت کردند. دیدگاه این مخالفان مغایر اصل ۵۶ قانون‌اساسی بود. ❧ **تا جایی که می‌توانید بگویید چه کسانی مخالف قانون شوراها بودند؟** وزرای کشوری که بعد از دولت موقت آمدند، عموماً با خود مخالف اجرای قانون شوراها بودند یا اختیاری برای اجرای کامل آن نداشتند. اگر مشروع مذاکرات مجلس خبرگان قانون‌اساسی را در خصوص اصل ۲۶ قانون‌اساسی مطالعه کنیم، ریشه این دو نگاه تاریخی را ملاحظه می‌کنید. برخی می‌گویند احزاب باید کنترل‌شده و زیرنظر دولت باشند و برخی می‌گویند احزاب باید آزاد باشند. مرحوم دکتربهشتی در آن مجلس از فکر آزادی فعالیت احزاب به‌طور جدی دفاع می‌کند، اما برخی از آقایان به‌شدت مخالف آزادی فعالیت احزاب بودند. پس از بحث طولانی نتیجه رای‌گیری نشان می‌دهد که از ۶۶ نماینده فقط ۱۸نفر مخالف و بقیه موافق اصل ۲۶ قانون‌اساسی بودند و به تصویب می‌رسد. اما ظاهراً همکاران آن ۱۸نفر، به قانون شوراها و قانون احزاب و این دست قانون‌ها که مردم را منشأ قدرت تلقی می‌کند، باور نداشتند و در اجرای این قوانین اهتمام نورزیدند.

ادامه در صفحه ۱۰

احکام دادگاه ماده ۱۰۰ نسبت به تخریب آنها اقدام می‌کردند. این اقدام در فضای ملت‌هب و سیاسی آن دوران موجب بدنامی برای کارکنان شهرداری و به‌طور طبیعی شهردار تهران می‌شد.

❧ **می‌توانیم اینطور بگوییم نزدیکی دیدگاه فکری و جریان سیاسی شما و دولت مهندس بازرگان باعث می‌شد که خیال شما برای قبول مسئولیت شهرداری راحت‌تر باشد؟**

دقیقا، از سال ۴۰ به‌عنوان عضو شاخه دانشجویی نهضت آزادی ایران فعال بودم و مبنای فکری خودمان را از مرحوم طالقانی و مهندس بازرگان گرفته بودیم، تا زمان پیروزی انقلاب با این اشخاص در ارتباط بودیم. بنابراین با جمعی همکاری می‌کردیم که با هم اختلاف فکری و مدیریتی نداشتیم و درعین‌حال با اولین وزیر کشور که مرحوم احمد صدراع‌سیدجوادی بود ارتباط اجتماعی- سیاسی داشتیم و با هاشم صباغان، وزیر کشور بعدی هم از دوران دانشجویی ارتباط و همکاری نزدیک داشتیم.

❧ **در شرایط دشوار روزهای انقلابی تهران، مهم‌ترین دغدغه شما چه بود؟** تهران آن‌روزها شبیه یک‌شهر جنگ‌زده بود، به‌ویژه ۱۶ تا ۲۲بهمن‌ماه که برخوردهای نظامی در شهر گسترش پیدا کرد و در بخشی از شهر نیز خیابان‌ها سنگ‌ریزی شده بود. درعکس‌ها و فیلم‌های آن دوران کاملاً مشخص است که شهر چه وضعیتی داشت. اما چون ما هم همراه با تحولات بودیم این شرایط بعد از پیروزی انقالب غیرعادی نبود و همه دنبال راه‌حلی بودند.

❧ **یعنی کسی از شما انتظار نداشت که شهر را تمیز کرده و سامان بدهید؟** طبیعی است که مردم چنین انتظاری را در کوتاه‌مدت نداشتند. مدیریت شهر تهران در آن موقع چالش‌های متعددی داشت که یکی از آنها سروسامان‌دادن به شهر بود. بخشی دیگر، این بود که همه سازمان‌ها از تیر۵۷ در اعتراض به همه خدمات شهری مختل شده بود. غیر از این مساله، نیروهای ضدانقلاب که با اصل انقلاب مخالف بودند در همه‌جا حضور داشتند و حزب توده و مارکسیست‌ها رسانه‌های اصلی را دراختیار گرفته بودند.

آنها اهل قلم بودند و حضوری پررنگ در رسانه‌ها داشتند. عوامل نفوذی حزب توده و گروه‌های ضد انقلاب شروع به ایجاد تنش در سازمان کردند که نحوه

	۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰۱۱۱۲
مدیریت شهر تهران در آن موقع چالش‌های متعددی داشت که یکی از آنها سروسامان‌دادن به ظاهر شهر بود. بخشی دیگر، این بود که همه سازمان‌ها از تیر۵۷ در اعتراض بودند و همه خدمات از جمله خدمات شهری مختل شده بود. غیر از این مساله، نیروهای ضدانقلاب که با اصل انقلاب مخالف بودند در همه‌جا حضور داشتند و حزب توده و مارکسیست‌ها رسانه‌های اصلی را دراختیار گرفته بودند	

برخورد با اینها ماجراها و داستان‌های جداگانه‌ای دارد. مردم انتظار داشتند از انقلاب خروجی ببینند و ما باید شهر را آماده می‌کردیم. در گام اول به سراغ معابر اصلی شهر رفتیم اما معابر فرعی و درودیوار‌ها هنوز با مشکل روبه‌رو بود و برای حل این مشکل که همزمان با روزهای پایان سال بود از سنت قدیمی خانه تکانی ایرانیان استفاده کردیم و جمعه آخر اسفند۵۷ را «روز پاکسازی» شهر تهران اعلام کردیم. این برنامه مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت و نیروهای داوطلب زیادی در قالب «شورا‌های محله» به ما پیوستند. شوروهیجانی در شهر به‌وجود آمد و مردم در کوچه‌ها جارو به دست معابر و دیوار‌های شهر را تمیز کردند. یک‌کله تاریخی که گفته نشده از آقای صادق قطب‌زاده، مدیر وقت صداوسیما دارم که این رویداد تاریخی که در روزهای اول انقلاب انسجام مردم و ارتباط و همدلی نزدیک آنها با مسئولان را نشان می‌داد ضبط نکرد. همان زمان عکس‌هایی از مرحوم طالقانی، در پیچ‌شمیران، خیابان تنکابن، درحال جاروکردن خیابان و مرحوم فروهر و دوستانشان که به‌صورت جمعی اقدام به تمیزکردن معابر شهر کرده بودند، منتشر شد.

❧ **شما در اولین روزهای کار سراغ کدام بخش رفتید؟**

دو پروژه راهبردی را از هشتم‌اسفند۵۷ در دستور کار شهرداری قرار دادیم.

یکی اصلاح ساختار تقسیم‌بندی شهر بود تا زمینه‌های قانونی برای انجام انتخابات شورای شهر فراهم شود چراکه براین باور بودیم که شهردار تهران باید منتخب مستقیم یا غیرمستقیم مردم باشد. علاوه‌بر جایگاه شوراها در ادبیات اسلامی با توجه به تجربه‌ای که در دوران تحصیل در آلمان و آمریکا داشتم، شاهد نقش مهم شورا در مدیریت شهرها بودم. در مطالعات این برنامه

از گروه‌های کارشناسی کارکنان شهرداری و افراد داوطلب که بعضاً از خارج از

گفت‌وگو با محمد توسلی

شهردار تهران ۵۷

معصومه اصغری

نشستن و گفت‌وگو در اتاق و روی کاناپه‌ای که روزگاری میزبان مردان بزرگی چون مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی بوده کافی است تا شوقم را برای گفت‌وگو دوجندان کند. خانه‌اش را به‌شکل دوبلکسی قدیمی در نزدیکی حسینه‌اشاراد ساخته و آن را طوری طراحی کرده تا اتاقی که در آن هستیم بدون ارتباطی با داخل خانه بتواند برای جلسات مهم استفاده شود. در طول گفت‌وگو با محمد توسلی این حس تمام‌وکمال وجود دارد که دربرابر یک «مرد قانون» نشسته‌اید و آنچه در اولین کلام برای توصیفش می‌توان گفت داشتن صفت «اخلاق» است. توسلی یکی از اعضای نهضت آزادی بوده که در دولت موقت، دولت بنی‌صدر و شهیدرجایی با همان اعتمادی که خودش می‌گوید: «تنها در بحبوحه یک انقلاب پیدا می‌شود.» مسئولیت شهر تهران را برعهده داشته است. از معدود مدیرانی است که به استناد مدارک تاریخی‌ای که سال‌ها آرشیو کرده حرف می‌زند و آنجایی که موضوع مربوط به او نیست یا اطلاعی از آن ندارد، صریح می‌گوید که نمی‌داند و تأکید دارد که اسناد دوسال اول انقلاب بخش مهمی از تاریخ انقلاب هستند که نباید بدون استناد به آنها حرف زد. گفت‌وگو با توسلی به حافظه تاریخی بسیاری از ما در مورد انقلاب و روزهای بعدش کمک می‌کند و به‌جرات می‌توانم بگویم سیاسی‌ترین گفت‌وگوی شهری‌ام بود. او در برحادثه‌ترین روزهای تهران، در اوج اختلاف‌های سیاسی و بازار داغ فضای انقلابی، مسئولیت شهرداری تهران را قبول کرده است. حین صحبت، مقاطع حساس این شهر را ورق می‌زند؛ مقاطعی که نسل من و بعد از من تنها جزئیاتی را که تلویزیون نشان داده، می‌داند. او شهردار پایتخت انقلاب‌دیده‌ای بوده که تا مدتی در آن نیروی نظامی و دفاعی مشخصی وجود نداشته و درعین‌حال بسیاری از مردم و افراد خاص اسلحه دراختیار داشتند. شهردار شهری بوده که مهاجران و محرومانش سرپناه می‌خواستند و به قول خودش «در آن دوسال با مردمی طرف حساب بوده که نداشته‌هایشان از حکومت قبلی را با «زور و زود» از انقلاب و حکومت جدید می‌خواستند» و درنهایت همین شرایط او را به استعفا مجبور می‌کند. گفت‌وگو با اولین شهردار پس از انقلاب روایت‌هایی شنیدنی و کمتر گفته‌شده دارد؛ روایت‌هایی در مورد آیت‌الله طالقانی و همراهی‌اش با شهردار تهران و داستان فوتش تا تخریب مقبره رضاخان در حرم حضرت‌عبدالعظیم توسط آیت‌الله خلغالی و بایکوت خبری شهردار تهران ۵۷ در تلویزیون و درنهایت سامان‌دادن به کوه‌های پراز آسیب و متوقع جنوب تهران که با انقلاب، ساکنانش همچون سیلابی به سوی شهر سرازیر شدند. آنچه در ادامه می‌آید متن این دیدار و گفت‌وگو است که به‌دلیل محدودیت صفحه خلاصه شده است.

❧ **چه شد که شما به سمت این مسئولیت کشیده شدید؟ در زمان انقلاب در چه شرایطی بودید و چه شد که این مسئولیت را در روزهای حساس و ملت‌هب اولین روزهای انقلاب قبول کردید؟**

پس از فارغ‌التحصیل‌شدن از دانشکده فنی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۱ برای ادامه تحصیل در رشته دکتری حمل‌ونقل و ترافیک به آلمان رفتم، اما به‌دلیل تغییراتی در ضوابط تحصیلی آنجا ابتدا به آمریکا رفتم و کارشناسی‌ارشد جدیدی در رشته راه و حمل‌ونقل و ترافیک اخذ کردم. در ارتباط با برنامه‌های سیاسی این دوره اجباراً به آلمان برگشتم و دوره دکترا را در آنجا ادامه دادم و در سال ۴۶ برای تهیه تز دکترا درخصوص حمل‌ونقل شهر تهران، به ایران برگشتم. باتوجه به سوابق سیاسی‌ای که در آمریکا، اروپا و منطقه خاورمیانه داشتم، ممنوع‌الاستخدام و ممنوع‌الخروج شدم و به اجبار در ایران ماندم و در شرکت مهندسین مشاور راهساز که با شهرداری تهران نیز همکاری داشت تا سال ۵۷ فعالیت داشتم. فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی من از ۱۳۳۶ با عضویت در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران آغاز شد و در سال‌های ۳۹ و ۴۰ در جبهه ملی دوم و سپس نهضت آزادی ایران فعال بودم. در سال ۵۰، در ارتباط با کمک به زندانیان مجاهدین‌خلق اولیه همراه با مهندس سبحانی و آقای هاشمی‌رفسنجانی بازداشت شدم و یک‌سال زندان بودم و در آنجا با حدود ۵۰گروه سیاسی آشنا شدم. در سال‌های ۵۶ و ۵۷ در مدیریت و دیپلماسی انقلاب و برگزینی نماز عید فطر درته‌های قیطره مشارکت داشتم، در ستاد راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا و استقبال از امام(ره) مسوول تبلیغات بودم. بعد از ۲۲بهمن، از طرف معاونت امور انقلاب دولت موقت، دکتر ابراهیم یزدی، مامور تهیه اولین پیش‌نویس اساسنامه نهاد «گارد ملی» شدم که رهبر فقید انقلاب تشکیل آن را اعلام کرده بود. با توجه به اینکه واژه «گارد» زمینه ذهنی خوبی نداشت و با توجه به اهدافی که برای این نهاد انقلابی در آن شرایط تعریف شده بود عنوان «سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی‌ایران» را طراحی کردم و پس از تأیید دولت موقت به تصویب شورای انقلاب و سپس امام خمینی، رهبر فقید انقلاب رسید. از ۲۳بهمن تا هفتم‌اسفندماه، به‌طور فشرده مشغول این پروژه بودم تا اینکه هشتم‌اسفندماه توسط اولین وزیر کشور دولت موقت، مرحوم احمد صدراع‌سیدجوادی حکم شهردار تهران برای بنده صادر شد و از همان‌روز خداتمن را در شهرداری تهران شروع کردم.

❧ **آقای شهرستانی، شهردار وقت تهران ۱۴بهمن۵۷خدمت امام رفت و استعفا داد، درحالی‌که نظر امام این بود که ایشان بمانند. شما، آقای شهرستانی را می‌شناختید؟**

از سال ۴۶ که به ایران برگشتم، مهندس شهرستانی شهردار تهران بود و من با مرحوم مهندس عبدالحسین ابراهیمی، قائم‌مقام ایشان آشنا بودم و از من خواستند که در زمینه مشکل ترافیک به شهرداری کمک کنم. بعد از حدود سه‌ماه متوجه شدمند که به‌علت مخالفت ساواک ممنوع‌الاستخدام هستم. مهندس شهرستانی سلامت نفس و توانایی مدیریت بالایی دارند و در موقع استعفا واقع‌بینی و شجاعت اخلاقی خود را در آن شرایط نشان داد. ایشان در قید حیات هستند و تاکنون در پروژه‌های سازندگی در مشهد و دیگر نقاط کشور کارآفرین بوده‌اند و در جلسات اخیر کانون فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تهران به‌عنوان پیشکسوت حضور داشتند. من با دکترنیک‌پس نیز برای پروژه‌های شهری ارتباط داشتم. آقای نیک‌پس خانواده‌ای مذهبی داشت و اهل‌نماز بود و مشروب نمی‌خورد و توانست در شش‌سالی که شهردار تهران بود سازمان‌های جدید متناسب با نیازهای شهر تهران را ایجاد کند.

❧ **حادثه تخریبی که می‌گویند سقف را روی سر مردم ریخت واقعی بود؟ این موضوع از دلایل اعدام نیک‌پس بود؟**

در سال۵۶ که انقلاب درحال اوج‌گیری بود، ساخت‌وسازهایی بی‌رویه و بدون پروانه در حریم شهر انجام می‌شد که ماموران شهرداری در راستای